اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت پنجاه و شش)

هبوط انسان

مهمترین داستان بنی آدم که در کتابهای آسمانی بارها به آن اشاره شده است این است که انسان از بهشت به زمین تبعید شده است. خدا بارها در قرآن تکرار میکند که اصالت انسان زمینی نیست و بلکه در تبعید و بطور موقت در زمین به سر می برد. تمام حیوانات و موجودات دیگر قبل از بشر در زمین بوده اند و زمین جایگاه زندگی آنها بوده است. حیوانات لباس ندارند و مشکلی با این موضوع هم ندارند. آنها کمتر مریض میشوند و از هر چیزی درست و بجا استفاده میکنند. این فقط انسان است که نمی داند درست از نعمتهای زمین استفاده کند و فقط انسان است که زیاد مریض میشود. این انسان است که اگر زیاد زیر آفتاب بماند، پوستش میسوزد، ولی حیوانات دیگر اینجوری نیستند. زیرا انسان اصالتا متعلق به جای دیگری است. درست است که بدنش از خاک زمین درست شده است ولی ژنتیکش

و روانش با حیوانات و سایر موجودات فرق میکند. اختراع میکند و کار بجایی رسیده است که به کرات دیگر میرود. در حالی که سایر موجودات زمین چنین استعداد و تمایلی ندارند. انسان متعلق به زمین نیست و موقتی به زمین تبعید شده است و به همین خاطر در زمین بیشتر زجر میکشد تا خوشی. این حادثه بخاطر مجادله و جنگی بود که در ملاء اعلی اتفاق افتاد و انسان بعد از آن به زمین تبعید شد تا روز مشخصی که تکلیفش مشخص شود.

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

مرا در باره ملاء اعلی هیچ دانشی نبود آنگاه که مجادله میکردند (۶۹)

یک گاو را در نظر بگیرید. او غذایش در زمین آماده است. لزومی ندارد سبزیجات و گیاهان را به قورمه سبزی تبدیل کند تا بتواند بخورد. لازم نیست که غذایش را در داخل روغن سرخ کند تا بخورد. زیرا زمین برای زندگی آنها مناسب است و در اصل حیوانات و سایر جانداران بومیهای زمین هستند و ما انسانها در زمین بیگانه ایم. چند هزار سال پیش آدم و حوا به عنوان موجودات فضایی که از بهشت رانده شدند به زمین آورده شدند ولی با بدنی زمینی. حالا این تبعید ممکن است به صورت ژنی بوده باشد و یا کالبدی. شرایط بدن زمینی ما زیاد با زندگی در زمین سازگار نیست. انسان بسیار زیاد بیمار میشود ، در حالیکه حیوانات دیگر اینجوری

نیستند. بیماری سرطان در میان حیوانات بسیار کم و نادر است. در حالیکه به وفور در میان انسانها یافت میشود. سیستم ایمنی بدن انسان ضعیف است. این به خاطر شرایط ماست که زیاد با زمین جور نیست. زیرا ما تبعیدی هستیم و تبعید شده ها در شرایط سخت به سر می برند. وقتی کسی را بجایی تبعید کنند، او را به جای خوش آب و هوا تبعید نمی کنند، بلکه به جایی تبعید میکنند که سختی باشد. انسان در شرایط سختی قرار داده شده است، زیرا به یکی از دورترین و کوچکترین کره های خاکی آسمان یکم تبعید شده است.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿۴﴾
براستی که انسان را در سختی و رنج آفریده ایم (۴)

انسان در شرایط سختی قرار گرفته است و این بخاطر در تبعید بودنش است. نوزاد انسان در مقایسه با نوزاد سایر حیوانات بسیار ناتوان است؛ به گونه‌ای که اگر تا چندسال اول زندگی به نیازهای حیاتی او پاسخ داده نشود قادر به ادامه حیات نیست. یک سری از بیماریها و باکتریها توسط سیستم ایمنی بدن حیوانات براحتی نابود میشود ولی همین باکتریها براحتی انسان را از پای در میاورد مثل کووید 19. استرس و نا امیدی بر سلامتی بشر تاثیر گذار است. حیوانات استرس و نا امید

نیستند. حیوانات زمین را خانه خود میدانند و به همین خاطر هیچگونه استرسی ندارند و طمعکار نیستند.

یک سگ براحتی بدون هیچگونه لباسی در تابستان و زمستان بر روی زمین میخوابد ولی یک انسان هیچوقت نمی تواند چنین باشد، زیرا انسان اصالتا از جای دیگری است. تمام موجودات و جانداران دیگر غذایشان در طبیعت آماده است و نیازی به پخت و پز ندارند. این فقط انسان است که طبعش متفاوت است و نیاز به تغییرات در غذاهای زمینی است تا بتواند مصرفش کند. به همین خاطر در ترکیب غذاها گاها اشتباه میکند، یا شور است یا شیرین است و کامل متعادل نیست . به همین خاطر بعد از مدتی دچار فشار خون، چربی خون و دیابت و ... میشود و بدنش بیمار میشود. بخاطر اینکه انسانها غذاهای کاملا سالم و متعادل مصرف نمی کنند. چرا شکم خیلی از انسانها گنده ست؟ زیرا در ترکیب غذاها، تعادل را رعایت نمی کنند و مثلا چربی زیاده از حد مصرف میکنند. اما حیوانات بندرت بیمار میشوند مگر اینکه انسانها در سیستم غذایی و محیط آنان دخالت کنند. یک شیر فقط به اندازه ای شکار میکند که نیاز دارد. ولی انسان این خصوصیت را ندارد. آنقدر زباله پلاستیکی در طبیعت رها کرده است که چند هزار سال طول میکشد تا طبیعت به حالت اولیه اش برگردد. انسان حتی نمیداند که چگونه از محیط زندگی اش مواظبت کند. ولی حیوانات دیگر در تعادل هستند. اگر انسان روی کره زمین زندگی نکند، تمام طبیعت کره زمین به حالت سالم ومتعادل و اولیه اش بر میگردد.

این انسان است که اگر زیاد زیر آفتاب بماند، پوستش میسوزد، ولی حیوانات دیگر اینجوری نیستند. ما قبلا در بهشت توسط نور، اصلا اذیت نمیشدیم. سرما و گرما اذیتمان نمیکرد. ولی در کره زمین اذیت میشویم. اما در جهنم، نوری که تابانده میشود، مثل دستگاه جوشکاری، آتش بیرون میدهد. خورشید و یا منبع نور جهنم آنقدر قوی و نزدیک است که زندگی در جهنم را به زجر تبدیل میکند. در جهنم نمیتوان به هیچ عنوان از این نور قوی از خود محافظت کرد. از نظر یک مورچه ، ما آدم فضایی هستیم که به محیط آنان وارد شده ایم و خواسته و ناخواسته مشکلاتی را برای آنان ایجاد میکنیم.

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾

تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند مورچه ای [به زبان خویش] گفت ای مورچگان به خانه هایتان داخل شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندیده و ندانسته شما را پایمال کنند (١٨)

بشر میتواند از نعمتهای زمین استفاده کند ولی هیچوقت به آن رضایت کامل و دلخواه خویش نخواهد رسید. مثلا ما زمانی که در بهشت که بودیم، آفتاب اذیتمان نمی کرد ، تشنگی و گرسنگی نداشتیم. زیرا همه چیز آماده و در تعادل بود.

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿۱۱۷﴾

پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناك] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی (۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿۱۱۸﴾

در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی (۱۱۸)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿۱۱۹﴾

و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب‌زده (۱۱۹)

طبق آیات بالایی ، در بهشت پوست ما هیچوقت سوخته نمیشد و هیچوقت آفتاب زده نمی شدیم. زیرا همه چیز متعادل بود. ولی در زمین با کمی قرار گرفتن در زیر آفتاب، براحتی آفتاب سوخته میشویم. ولی حیوانات دیگر اینطوری نیستند. با آنکه هیچ لباسی ندارند. زیرا بشر اصالتا اهل زمین نیست و برای محافظت از خودش باید بزحمت بیفتد.

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى ﴿۱۲۰﴾

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (۱۲۰)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿۱۲۱﴾

آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت (۱۲۱)

در آیه بالایی چسپاندن برگهای بهشت بر خود کنایه از آن است که آدمی دیگر محافظت شده نیست و جهت رتق و فتق امور زندگی به زحمت می افتد. آدمی بعد از آن به زمین تبعید شد.

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾

فرمود همگی از آن [مقام] فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت (١٢٣)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿١٢٤﴾

و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم (١٢٤)

ما قبلا پیش خدا در بهشت بسر می بردیم. ولی بنا بر وسوسه شیطان ، به خود ظلم کردیم و شایستگی در جوار خدا بودن را از دست دادیم. به همین خاطر خدا

میفرماید خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾**) . خدا کلمه بازگشتن را استفاده مینماید. این نشان میدهد که ما قبلا در بهشت زندگی میکرده ایم. بعد از نافرمانی کردن خدا به زمین تبعید شدیم.**

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾

ای نفس مطمئنه (٢٧)

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾

خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد (٢٨)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾

و در میان بندگان من درآی (٢٩)

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

و در بهشت من داخل شو (٣٠)

ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم، البته اگر نیکوکار و یکتاپرست باشیم.

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

[همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می گویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم (۱۵۶)

یعنی هدف نهایی زندگی در این جهان کوتاه مدت این است که ما به سوی خدا بازگردیم و دوباره وارد بهشت او شویم و از خستگیها و زحمات کره زمین خلاص شویم و دوباره به موطن اصلی خویش برگردیم و از دست تبعید گاه بعدی یعنی جهنم نجات یابیم که اگر کسی از دست جهنم نجات یابد، به پیروزی بزرگی دست یافته است. البته متاسفانه انسان برای رهایی از این تبعیدگاه به در و دیوار میزند تا که رهایی یابد. انسان این حس را در قالبهای مختلف نشان میدهد، مثلا بیشتر از هر موجود دیگری به آسمان نگاه میکند و بیشتر از هر موجود دیگری کنجکاو درباره کهکشانهای دیگر است. در این تبعید فقط انسان نیست که تبعید شده است، بلکه اجنه و شیاطین هم تبعید شده اند. حتی اجنه و شیاطین جهت رهایی از این

تبعید دست به استراق سمع از آسمانهای دیگر میزنند و قصد دارند که راهی برای رهایی خویش و یا سلطه بر انسانها بیابند. اما متاسفانه بیشتر آنان جهت اختلال در سیستم رحمانی استراق سمع میکنند.

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿۳۳﴾

ای گروه جنیان و انسیان اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید پس رخنه کنید [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید (۳۳)

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿۱۶﴾

و به یقین ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم (۱۶)

وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿۱۷﴾

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم (۱۷)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ﴿۱۸﴾

مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می کند (۱۸)

جن و انس هنوز نفهمیده اند که تنها یک راه برای رهایی از این تبعیدگاه و ورود به بهشت هست و آن هم این است که خدا را عبادت کرد و پرهیزگار بود. خدا در آیات زیر راه رهایی از این تبعیدگاه را به سادگی بیان نموده است. خدا تنها راه حل و بهترین راه حل را به ما نشان داده است.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿۵۷﴾

از آنان هیچ روزیی نمی خواهم و نمی خواهم که مرا خوراك دهند (۵۷)

فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿۳۷﴾

اما هر که طغیان کرد (۳۷)

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿۳۸﴾

و زندگی پست دنیا را برگزید (۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿۳۹﴾

پس جایگاه او همان آتش است (۳۹)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى ﴿۴۰﴾

و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿۴۱﴾

پس جایگاه او همان بهشت است (۴۱)

این آیات را باید هر انسانی که مایل به نجات خویش از زمین است، هر روزه بخواند و روی آن تفکر کند و حتی آن را با خط زیبا بنویسد و در اتاقش قرار دهد تا یادش نرود که برای چی اینجاست. جالب است که زندگی در روی کره زمین از

نظر بهشتی ها فقط چند روزی است. ما نباید بخاطر چند روز زندگی ناچیز ، خود را بدبخت کنیم و به جهنم برویم.

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿۴۶﴾

روزی که آن را می بینند گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند (۴۶)

به همین خاطر خدا نمی خواهد که ما زیاد به زمین بچسبیم. خدا زندگی در روی زمین را فقط به عنوان یک مسافرت کوتاه و یک آزمایش عنوان میکند و حتی امکانات آن را متاع قلیل و ناچیز و لهو و لعب می نامد.

اما این تبعید همچنان ادامه دارد ، البته نه برای مومنان و پرهیزگاران؛ بلکه برای گناهکاران. بعد از این زندگی ، انسانهای گناهکار وارد محیط دیگری میشوند به اسم جهنم که آنجا اصلا شرایطش با شرایط بدنی و جسمی انسان سازگار نخواهد بود. کسی که وارد جهنم شود، دیگر نمیتواند بیرون آید تا ابد. اگر بشر در کره زمین مقداری زجر میکشد و در زحمت است؛ اما به هر حال میتوان با این سختی ها ساخت. ولی در جهنم کلا همه چیز زجر است و هیچ شرایط مناسبی برای زندگی انسان مهیا نیست. در جهنم غذا میخورند ولی چه غذایی! درخت زقوم. در جهنم دوش میگیرند ولی چه دوشی، مایعات داغ. آنها جاودانه در آتش اند و آبی جوشان

به خوردشان داده می شود تا روده هایشان را از هم فرو پاشد. در آیه زیر میتوان غذاهای بهشتیان را با جهنمیان مقایسه کرد و دید که چقدر تفاوت است.

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿۱۵﴾

مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از نوشیدنیی که برای نوشندگان لذتی است و جویبارهایی از انگبین ناب و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود [تا] روده هایشان را از هم فرو پاشد (۱۵)

اگر در زمین پوست انسان زیر آفتاب زیاد بماند میسوزد ولی حیوانات دیگر اینجوری نیستند زیرا آنها بومی زمینند و این انسان است که از جایی دیگر آمده است . ولی زندگی در جهنم مثل زمین نیست بلکه بسیار دردناک است و در واقع

نمیتوان اسمش را زندگی گذاشت. پوست آنان در جهنم بطور کامل و همیشه میسوزد. این است که خدا از قیامت به عنوان روز آخر یاد میکند و دیگر جهنم پایان کار گناهکاران است و انسانهای بد طینت به آنجا تبعید میشوند و برای همیشه در آنجا می مانند و جهنم تبعیدگاه آخری است. کسی که وارد جهنم شود، دیگر بیرون بیا نیست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۵۶﴾

به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده اند در آتشی [سوزان] درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند آری خداوند توانای حکیم است (۵۶)

توصیف آبی که جهنمیان مینوشند:

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿۲۴﴾در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی (۲۴)
إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿۲۵﴾جز آب جوشان و چرکابه ای (۲۵)
جَزَاءً وِفَاقًا ﴿۲۶﴾کیفری مناسب [با جرم آنها] (۲۶)

جهنمیان در کنار هم نمیتوانند دوست هم باشند. بلکه آنها دشمن هم خواهند بود و هیچگونه آرامشی در جهنم وجود ندارد. هر کسی در جهنم بغل دستی اش را لعنت میکند و با او دشمن است. به همین خاطر خدای قادر توانا میفرماید که جن و انس هیزم جهنم اند. یعنی وجود یک انسان در جهنم در کنار تو، بجای آنکه تسکینی باشد برای تو، عذابت را بیشتر میکند انگار هیزم آتش را بیشتر کرده باشند.

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾

ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود (١٥

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

می فرماید در میان امتهايي از جن و انس که پیش از شما بوده اند داخل آتش شوید هر بار که امتی [در آتش] درآید همکیشان خود را لعنت کند تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند پروردگارا اینان ما را گمراه کردند پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده [خدا] می فرماید برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمیدانید (۳۸)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿۳۹﴾

و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند شما را بر ما امتیازی نیست پس به سزای آنچه به دست می آوردید عذاب را بچشید (۳۹)

اما در بهشت محیطی همراه با صلح و صفا برقرار است و نشاط فوق العاده ای بین بهشتیان حکمفرماست.

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۵﴾

و خدا [شما را] به سرای سلامت فرا می خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند (۲۵)

اما در جهنم هیچگونه نشاطی برقرار نیست. غم و اندوه همیشه بر جهنمیان سیطره دارد. البته در زندگی زمینی هم اکنون، میتوان نشاط برای خود ایجاد کرد و همچنین میتوان زندگی را به جهنم تبدیل کرد.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾

و کسانی که مرتکب بدیها شده اند [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو می گیرد در مقابل خدا هیچ حمایتگری برای ایشان نیست گویی چهره هایشان با پاره ای از شب تار پوشیده شده است آنان همدم آتشند که در آن جاودانه خواهند بود (۲۷)

براساس آیه فوق جهنمیان تنها یک همدم دارند و آن هم گرما و آتش است.

بیشتر مردم کره زمین بعد از چهل سالگی دچار کمر درد میشوند و این بخاطر جاذبه قوی زمین است. جاذبه ای که در بهشت وجود داشت، ضعیفتر بود و با بدن بهشتی ما از هر نظر متناسب بود و لذت بخش بود. اما جاذبه زمین قوی است. البته این جاذبه به حیوانات و موجودات دیگر هیچگونه آسیبی نمی رساند. فقط انسان است که جاذبه زمین، زیاد با بدن او متناسب نیست. هرچند که جاذبه زمین با بدن انسان تبعیدی زیاد سازگار نیست ولی باز هم میتوان با آن ساخت.

اما شما جاذبه ای که در جهنم حکمفرما میباشد را در نظر بگیرید؛ آنقدر قوی و نا متناسب است که راه رفتن افراد در جهنم مثل این است که به دست و پای فرد زنجیری وصل شده باشد.

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿۴﴾
ما برای کافران زنجیرها و غلها و شعله های سوزان آتش آماده کرده ایم (۴)

جاذبه زمین ، بدن انسان را اذیت میکند. حیوانات دیگر اینطوری نیستند. یک سگ هیچوقت دیسک کمر نمی گیرد. ولی کمر درد در میان انسانها به وفور یافت میشود. یک مورچه چندین برابر وزن خویش (20 برابر) را جابجا میکند ولی شرایط جاذبه زمین این اجازه را به بدن انسان تبعیدی نمی دهد.

اما جاذبه سیاره ای که جهنم در آن واقع است ، آنقدر با بدن انسان نا متناسب است که تمام بدن انسان همیشه درد میکند. راه رفتن آنقدر سخت است که انگار انسان غل و زنجیر به پایش بسته شده است.

مهمترین خوشبختی اهل بهشت، خوشنودی خداست که واقعا این مورد کامیابی بزرگی است. و مهمترین عذاب جهنمیان لعنت خداست که برای همیشه از رحمت خدا محرومند. شاید تعجب کنید که اگر رحمت خدا نباشه، تمام مردم کره زمین در مدت زمان بسیار کمی پلاسیده میشوند و به فنا میروند. اما متاسفانه بیشتر مردم

قدر این مورد را نمیدانند و فکر میکنند خدا نقشی در زندگی آنان ندارد و حتی بعضی افراد با حالت مغرورانه خدا را هیچ کاره می دانند.

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

خدا به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در آن جاودانه خواهند بود و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است این است همان کامیابی بزرگ (٧٢)

خدا پر از فیض و رحمت است، او سرشار از محبت است. خدا خودش به بندگانش فرصت داده که حرفهای مختلف را بشنوند و بهترینش را انتخاب کنند.

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾

به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان (١٨)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾

پس آیا کسی که فرمان عذاب بر او واجب آمده [کجا روی رهایی دارد] آیا تو کسی را که در آتش است می رهانی (١٩)

در بهشت که قبلا ما آنجا بودیم . هیچ سخن لغو و بیهوده ای نیست.

لا يسْمَعُونَ فِيها لَغْواً وَ لا تَأْثِيماً* إِلَّا قِيلًا سَلاماً سَلاماً»[9]؛
در آن جا نه بیهوده ای می شنوند و نه [سخنی] گناه آلود. آن جا سخنی جز سلام و درود و آرامش نیست.

اما در زمین، در اکثر نقاط، سخنان لغو و بیهوده بسیار زیاد است. بطوریکه بیشتر مردم متاسفانه براثر این سخنان لغو و بیهوده منحرف میشوند. اما باز هم محیطهایی وجود دارند که سخنان لغو و بیهوده کمتر است و مقداری آرامش میتوان یافت. اما در جهنم ، هر فردی بغل دستی اش را لعنت میکند و مدام اعصاب بغل دستی اش را خط خطی میکند و آن آرامش کمی که در زمین هست، در جهنم وجود ندارد. این است که عذاب جهنم واقعا خوار کننده است . خدا ما را از شر آن حفظ کند.

آیه 81 سوره بقره نشان میدهد که ما باید سختی های این جهان را تحمل کنیم و با این سختی ها در راه خدا تلاش و کوشش کنیم و الا وارد جهنم خواهیم شد.

آیه 81 سوره بقره: "گفتند در این گرما بیرون نروید برای جهاد در راه خدا، بگو اگر دریابند گرمای جهنم سوزان‌تر است."

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾

بر جای ماندگان به [خانه] نشستن خود پس از رسول خدا شادمان شدند و از اینکه با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند کراهت داشتند و گفتند در این گرما بیرون نروید بگو اگر دریابند گرمای جهنم سوزان‌تر است (۸۱)

هر وقت در راه خدا تلاش کردید و سختی کشیدید، این را در نظر بگیرید که سختی جهنم بسیار بسیار زیادتر است. سختی روی زمین به هر حال قابل تحمل است. عذاب جهنم خوار کننده است و آتش جهنم در قلبها تاثیر می گذارد.

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿۴﴾

ولی نه قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿۵﴾

و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿۶﴾

آتش افروخته خدا[یی] است (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾

[آتشی] که به دلها می رسد (٧)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ﴿٨﴾

و [آتشی که] در ستونهایی دراز آنان را در میان فرامی گیرد (٨)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

در ستونهاي كشيده و طولاني! (٩)

آیه آخری (فِی عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ) توصیف آتش جهنم را بیان میدارد. آتشی با ستونهای کشیده و طولانی. این نشان میدهد که این آتش از یک منبع مثل خورشید ساطع میشود و از آنجا که بر دلها نیز تاثیر گذار است(الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿۷﴾) و نه فقط پوست، پس نوری مثل اشعه ایکس است که از پوستها رد میشود و بر اعضاء داخلی بدن هم تاثیر گذار است.

قوانین جهنم کاملا با زمین متفاوت است. حتی سایه در جهنم طور دیگری است. به آیه قرآن توجه نمائید:

وَيلٌ يَومَئِذٍ لِلمُكَذِّبينَ

بروید به سوی آنچه قبلاً باور نداشتید.

انطَلِقوا إِلیٰ ما کُنتُم بِهِ تُکَذِّبونَ

بروید به سوی سایه ای از سه غلظت مختلف (و یا سه بعدی).

انطَلِقوا إِلیٰ ظِلٍّ ذی ثَلٰثِ شُعَبٍ

با این حال، آن نه خنکی فراهم می کند و نه از گرما محافظت می نماید.

لا ظَليلٍ وَلا يُغنی مِنَ اللَّهَبِ

آن جرقه هایی به بزرگی کاخ ها پرتاب می کند.

إِنَّها تَرمی بِشَرَرٍ كَالقَصرِ

به زردی رنگ شتران.

آیات سوره مرسلات اعلام میدارد که در جهنم هم سایه وجود دارد. اما سایه ای با چگالي و سختی متراکم شده. که نه خنک میکند و نه از گرما حفاظت میکند و سایه در جهنم به نوعی بازهم برای جهنمیان زجر است. آیه آخری بیان میدارد که حتی رنگهای جهنم ، چشمها را اذیت میکند . این قسمت از آیه (انطَلِقوا إِلیٰ ظِلٍّ ذی ثَلٰثِ شُعَبٍ **) بیان میدارد که سایه در جهنم سه بعدی است و رنگ سایه اش زرد است.**

خود آتش جهنم تار است ولی سایه اش زرد است ، یعنی سایه آتش جهنم، به آتشی مثل آتش زمین تبدیل میشود.

سْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿۵۴﴾
و شتابزده از تو عذاب می خواهند و حال آنکه جهنم قطعا بر کافران احاطه دارد (۵۴)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۵۵﴾
آن روز که عذاب از بالای [سر] آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد و [خدا] می فرماید [نتیجه] آنچه را میکردید بچشید (۵۵)

سایه در قرآن به معنای حفاظ است؛ حفظ از نور خورشید و سرما و گرما و ... ما در روی زمین میتوانیم یک خانه درست کنیم و در آن زندگی کنیم. اما در جهنم نمیتوان . آن روز که عذاب از بالای سر آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد. خاک زمین در دستان ما نرم است و میتوان آن را به اشکال مختلف در آورد ولی خاک جهنم بر کافران احاطه دارد و بعلت خاصیت آن خاک، اجازه کاری نمیدهد.

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿۴۱﴾
و یاران چپ کدامند یاران چپ (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿۴۲﴾
در [میان] باد گرم و آب داغ (۴۲)

وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ ﴿۴۳﴾
و سایه ای از دود تار (۴۳)

لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿۴۴﴾
نه خنك و نه خوش (۴۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿۴۵﴾
اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند (۴۵)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ﴿۴۶﴾
و بر گناه بزرگ پافشاری میکردند (۴۶)

بادی که در جهنم میوزد، با بادی که در زمین می وزد بسیار فرق میکند. بادگرم و گردو غباری از دود تار که نه خنک میکند و زجر آور است. این که ما میتوانیم در زمین خانه درست کنیم و یک سری وسائل درست کنیم، بخاطر لطفی است که خدا به ما کرده است. این خدای مهربان است که آهن را برای ما در زمین نازل کرده

است و طریقه استفاده از آن را برای ما انسانها الهام کرده است. اگر لطف خدا نباشد، هیچ اتفاقی در زمین نخواهد افتاد. اقوامی بدوی در قاره آمریکا و آفریقا هنوز هستند که مثل هزاران سال پیش زندگی میکنند و این بخاطر عدم وجود وحی در محیط آنان است. با این حال بشر به پیشرفت ناچیز خود در تکنولوژی مغرور شده است و خیال می کند که به خدا نیاز ندارد!

در بهشت همه چیز آرامش است ولی در زمین با این اوصاف خدا نعمتهای زیادی در اختیار مردم گذاشته است و از یک طرف مردم برای خود آلودگیهای صوتی عجیبی ایجاد کرده اند. ولی در جهنم آلودگی صوتی وحشتناکی وجود دارد که قابل مقایسه با آلودگی صوتی زمین نیست.

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ﴿٧﴾
چون در آنجا افکنده شوند از آن خروشی می شنوند در حالی که می جوشد (٧)

انسانها تبعیدی هستند و موقت به کره زمین منتقل شده اند. شرایط زمین زیاد با انسان سازگار نیست. زایمان حیوانات غیر از انسان براحتی صورت میپذیرد ولی زایمان انسان به سختی صورت میگیرد. یک نوزاد نه ماه در شکم مادرش اذیت است و حین تولد هم سختی های زیادی هست. بعد از تولد هم تا چند سالی باید لحظه به لحظه مراقبش بود تا بزرگ شود. ولی بچه حیوانات اینطوری نیستند. این

نشان میدهد که شرایط زمین با بدن انسانها زیاد جور نیست زیرا انسانها تبعید شده اند. و این سختی ها به مرور زیادتر هم میشود.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾

و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد می گوید پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم (١٥)

خدای مهربان در آیه فوق می فرماید که بارداری و شیردادن به نوزاد حدود سی ماه است و تا آنگاه که به رشد کامل روحی برسد و به چهل سالگی برسد. این ثابت میکند که مدت عمر انسان از زمانی است که نطفه بسته میشود و نُه ماه داخل شکم مادر هم به سن فرد باید افزوده شود. و همچنین میتوان براحتی فهمید که بشر در سن چهل سالگی به بلوغ روحی میرسد. تمام کسانی که زیر چهل سالگی فوت نمایند، از آنجا که به بلوغ روحی نرسیده اند، براساس رحمت خدا به بهشت زیرین خواهند رفت.

وقتی از کره ماه به زمین نگاه شود ، متوجه تغییرات زیادی میشویم که انسانها در کره زمین بوجود آورده اند؛ انسانها مدام دنبال ایننند که همان شرایط بهشت از دست داده شده را برای خود بوجود آورند. ولی عملا امکان پذیر نیست. متاسفانه برعکس، بیشتر انسانها دنبال ایجاد شرایط جهنم برای خود هستند. فحش و توهین، ناسزا گویی، مال دوستی، طمع، چشم چرانی، زنا ، دزدی و ... اینها مقدمه ایجاد جهنم روی کره زمین است. هنوز بشر باور نکرده است که متاسفانه بیشتر مردم روی کره زمین وارد جهنم میشوند!

جهنم به معنای واقعی و کامل یعنی فقدان و دوری از رحمت خدا. خدایی که بندگانش را براساس مذهب قضاوت نمیکند. خدا انسانها را براساس ماهیت نفسشان قضاوت میکند. جدیدا یک کهکشانی پیدا کرده اند که سفر از این ور به آن ور آن با سرعت نور، چهل میلیون سال نوری طول میکشد. که برای زمین فقط چند ثانیه طول میکشد! عظمت خدا اینجا نمایان میشود. بزرگی و عظمت و مدح و ثنا شایسته فقط خدای یکتاست. انسان به یکی از کوچکترین سیاره های کیهان تبعید شده است. باید روی این نکته فکر کرد.

پرهیزکاران حقیقتاً نمی میرند؛ بلکه فقط کالبد خود را در این دنیا رها می کنند و به همان بهشتی راه می یابند که قبلا در آن می زیسته اند. هیچکس نمی میرد جز به اذن خدا، در زمانی معین که تاریخ آن از پیش نوشته شده است. هرکس به دنبال متاع پوشالی این جهان باشد، از آن به او داده میشود، و هرکس در طلب پاداش

آخرت باشد، در آنجا مورد رحمت قرار می گیرد. مرگ بر خلاف باور بعضی ها به خیلی ناراحتی ها و زحمات پایان میدهد. آدمی همیشه جوان و زیبا و پر انرژی نمی ماند. زمانی می رسد که مورد بی مهری اطرافیان قرار می گیرد و دچار انواع بیماری ها و انواع ناراحتی ها و مشکلات میشود. در این حالت مرگ نجات دهنده ست . به مشکلات آن فرد پایان می دهد. اما خوشا بحال کسی که در طول زندگی خویش درستکار زندگی کرده است و توشه ای برای بعد از مرگ خویش جمع کرده است. بزرگترین وعده و زیبایی قیامت رفتن مردم پیش خداست و اجرا شدن قضاوت خداست. کسانی که منکر وجود خدایند و جهان آخرت را منکر میشوند، از مهمترین رکن زندگی یک انسان میگذرند. با عدم وجود قضاوت خدا در قیامت، فرقی بین یک دیکتاتور و یک مظلوم وجود ندارد. یک دیکتاتور که جان هزاران نفر را می گیرد با یک مظلوم که از همه چیز در این جهان بی نصیب مانده است، در یک سطح قرار می گیرند و اینکه هر دو برای همیشه از بین می روند. قیامت و معاد نیمه گمشده عدالت این دنیاست که بدون آن واقعا زندگی چند ساله و پرزحمت این دنیا بی معنی است. سیستم این جهان طوری طراحی شده است که بدون معاد و قضاوت، زندگی بی معناست و کامل نیست. بدون در نظر گرفتن قیامت، نمیتوان سیستم عدالت خدا را در این دنیا فهمید.

فیزیولوژی بدن دوزخیان طوری است که نمی میرند. جهنمیان از شدت درد و عذاب روزی صدها بار آرزوی مرگ میکنند ولی امکان پذیر نیست.

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ﴿٧٧﴾
و فرياد كشند اى مالك [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند پاسخ دهد شما ماندگاريد (٧٧)

در آیه بالایی ، اگر دقت شود، جهنمیان از خدا درخواست نمی کنند و بلکه از مالک جهنم تقاضا دارند که به خدا بگوید جانشان را بگیرد (و فرياد كشند اى مالك [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند**). مرگ بزرگترین نعمتی است که خدا به اهل زمین عطا فرموده است. با مرگ خیلی از مشکلات فرد حل میشود. اما در جهنم مرگ وجود ندارد. در واقع روزی هزار بار تا پای مرگ می روند ولی نمی میرند.**

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾
[آن كس كه] دوزخ پيش روى اوست و به او آبى چركين نوشانده مى شود (١٦)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾
آن را جرعه جرعه مى نوشد و نمى تواند آن را فرو برد و مرگ از هر جانبى به سويش مى آيد ولى نمى ميرد و عذابى سنگين به دنبال دارد (١٧)

اگر تعداد ستاره هایی که تا بحال کشف شده است در آسمان یکم را بخواهیم بشماریم و برای هر یکی، یک ثانیه زمان ببرد ، نزدیک به 32 میلیارد سال طول میکشد که ما بشماریمشان. ولی خدا با یک کن فیکون میسازد!! عظمت و بزرگی فقط شایسته خداست.

خدای توانا تمام این کهکشانها را در کنترل خویش دارد. نه تنها این کهکشانها، بلکه تک تک اتمها را تحت کنترل خویش دارد . تمام اینها گواه بر عظمت خداست. از آخر کهکشان، اصلا زمین کجاست؟ اصلا زمین ناپیداست. این نکته خیلی معنادار است. این است که نام کسی دیگر را نباید در کنار نام خدا قرار داد.

همانطور که گفته شد، شرایط بدنی ما زیاد با زمین سازگار نیست. حیوانات و جانداران روی زمین از آبی مینوشند که در رودخانه ها جاری است. اما انسان باید از آب چشمه و زلال و یا تصفیه شده استفاده کند و الا مریض میشود. این نشان میدهد که بدن ما زیاد متناسب زمین نیست و ما تبعید شده ایم. انسان باید در اکثر موارد روی مواد زمین تغییرات شیمیایی و فیزیکی ایجاد کند تا بتواند مصرف کند. در حالیکه برای حیوانات و جانداران دیگر اینطوری نیست. زیرا آنها بومی های زمین هستند و بدن آنها مخصوصا برای زمین ساخته شده است و همه چیز در زمین برای آنها آماده ست. اما انسان در تبعید و در رنج و سختی به سر می برد و باید برای بدست آوردن نیازهایش، رنج و زحمت زیادی بکشد. انسان تا حد زیادی با زمین سازگار نیست و این بخاطر در تبعید بودنش است . خدا عمدا اینطوری ما

را ساخته تا همیشه به ما یادآوری کند که شما باید الان جای دیگری میبودی! مثلا بچه حیوانات دیگر بدون هیچگونه آموزشی شنا بلدند. در حالیکه بچه انسان اینطوری نیست. خیلی از حیوانات به طرز عجیبی خیلی از مشکلات زندگی در زمین را براحتی پاس میکنند.

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾
آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده (١٧)

ناهمگون بودن انسان گاهی معلول نابرابرهای اجتماعی و فساد در جامعه است. یک کشور فقیر برای گذران زندگی افرادش، مجبور است که زغال سنگ تولید کند. یک کشور غرق در فساد اجتماعی سیاسی، بخاطر غرق شدن مسئولین و مردمش در فساد مدام مجبور است که بنزین مردمش را از هر نوعی تحت هر شرایطی تهیه کند و باعث ضربه زدن به محیط زیست خودش شود و هیچ تلاشی نمی کند که خودروهای برقی تولید کند. یک جامعه بیمار پول، از درون زمین آنقدر آب بیرون میکشد تا که شرایط را برای وقوع زلزله فراهم کند و هزاران تخلف دیگر. نگاه انسان به طبیعت باید براساس خداپرستی باشد. کسی که اسراف کند و ناشکری و ناسپاسی کند و طمع ورزد نسبت به نعمتهای خدادادی روی زمین، خوبخود نسبت به هم نوع خود هم ناشکر و ناسپاس است و همین ظلمها را هم

نسبت به هم نوع خویش روا میدارد. کسی که نسبت به یک حیوان بی زبان رحم نداشته باشد، قطعا نسبت به هم نوعان خویش هم بی رحم خواهد بود.

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾
آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید (۱۱۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿۱۱۶﴾
پس والاست خدا فرمانروای برحق خدایی جز او نیست [اوست] پروردگار عرش گرانمایه (۱۱۶)

کووید 19 ثابت کرد که بشر بیشتر از آنکه محتاج پول باشد، بیشتر محتاج همزیستی مسالمت آمیز و تعاون و همکاری با هم نوعان و غیر هم نوعان خویش است. یک انسان خوب حتی نسبت به مخالفش هم ترحم دارد. یک شیر تنها چیزی که میخورد گوشت حیوانات دیگر است و با همین یک نوع غذا تمام ویتامینهای بدنش تامین میشود. اما انسان اینطوری نیست و بعد از مصرف یک ماده خوراکی بطور مداوم دچار کمبودهای ویتامین خواهد شد. حیوانات و جانداران دیگر در یک چرخه طبیعی هرکدام کامل کننده یکدیگرند . گوشتی که از شکار یک شیر باقی می ماند، خوراک کفتارها میشود و مقداری که فاسد میشود، توسط ویروسها تجزیه

میشود و دوباره به چرخه طبیعی بر میگردد. اما انسانها کامل کننده یکدیگر نیستند. به همین خاطر خدا می فرماید:

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٣٦﴾

پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد و فرمودیم فرود آیید شما دشمن همدیگرید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی برخورداری خواهد بود (۳۶)

اما در جهنم اصلا شرایط به این سادگی نیست. غذایی که در جهنم برای انسانها موجود است، به هیچ وجه نیاز انسان را بر آورده نمی کند و خوردنش رنج و عذاب است.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾

آنگاه شما ای گمراهان دروغپرداز (۵۱)

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ﴿٥٢﴾

قطعا از درختی که از زقوم است خواهید خورد (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾

و از آن شکمهایتان را خواهید آکند (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿۵۴﴾
و روی آن از آب جوش می نوشید (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ﴿۵۵﴾
[مانند] نوشیدن اشتران تشنه (۵۵)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿۵۶﴾
این است پذیرایی آنان در روز جزا (۵۶)

طبق گفته خدای مهربان در قرآن، در جهنم ، مردم نمیتوانند خدا را صدا بزنند. همانطور که در آیه زیر می بینید کلمات دوزخیان به خدا نمی رسد . یعنی از نظر روحی در شرایطی به سر می برند که نمی توانند خدا را بخوانند و نمی توانند از خدا کمک بخواهند . در نا امیدی مطلق به سر می برند .

آیه قرآن : کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون
[15:83] درواقع، در آن روز، از پروردگارشان جدا خواهند بود.

تمام شرایط سخت جهنم هم بخاطر جدا بودن از خداست. زیرا کسی که دچار لعنت خدا شود، دیگر شامل رحمت خدا نیست و وقتی رحمت خدا نباشد، یعنی شرایط برای زندگی میشود مثل جهنم!

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
روزی عذاب دوزخ از بالای سرشان و از زیر پاهایشان ایشان را فرا خواهد گرفت و خداوند بدیشان خواهد فرمود: بچشید (جزای) کارهائی را که (در دنیا) می‌کردید.

براساس آیه فوق، عذاب در جهنم از بالا خواهد بود که همان حرارت خورشید جهنم است و همچنین از پایین که جاذبه وحشتناک جهنم است که به سختی میتوان قدم برداشت . آنچنان به سختی که انگار به دست و پای انسان زنجیر وصل شده است. انسان بطور پیشفرض مسیرش رو به جهنم است مگر اینکه مسیرش را عوض کند و برگردد به طرف خدا.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾
که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
﴿۳﴾مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند (۳)

انسان پیشفرض در زیان و خسران است مگر اینکه کارهای شایسته کند و به طرف خدا برگردد. اصولا کسی که در تبعید به سر میبرد، مسیرش در تبعید است و اگر کارهای شایسته نکند، به تبعید آخری (جهنم) میرود .

یک مورچه ، چه غذا باشد، و چه غذا نباشد، تلاش خودش را انجام میدهد و هیچگونه استرسی برای جمع کردن آن ندارد. مورچه در تابستان برای زمستان غذا جمع میکند و حتی شاید عمرش به زمستان بعدی هم نرسد. در حالیکه انسان در پیدا کردن پول ، استرس زیاد دارد. زیرا مورچه زمین را خانه خود میداند و یک انسان آن را خانه خود نمی داند. یک انسان محیط زندگی خویش را آلوده میکند زیرا زمین را محل زندگی خویش نمیداند. در حالی که باید با شرایط سخت زمین بسازد و آن را آباد کند همراه با رعایت حقوق دیگران.

جهنم برخلاف این جهان جای خیلی جدی ای است. آدمها میتوانند در این جهان با دیگران شوخی کنند ولی جهنم جای شوخی نیست. کسی حال و هوای شوخی ندارد. هرکسی آنقدر مشکلات و زجر دارد، که از هر چیزی خسته است. خدا به مومنان توصیه میفرماید که :

عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿۶۳﴾

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿۶۴﴾
و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾
و کسانی اند که می گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است (۶۵)

بسیاری از حیوانات خطراتی مثل زلزله، سونامی، سیل و بارش باران را با توجه به حس خویش نسبت به طبیعت زمین درک و پیش بینی میکنند. در حالیکه انسان بیخبر از همه چیز است. البته انسان در این زمینه هیچ تجربه و درکی ندارد. این نشان میدهد که انسان زیاد با طبیعت زمین اخت نیست و تبعیدی است. البته انسانها مجبورند که همین توانایی را با تکنولوژی جبران کنند، در حالیکه سایر حیوانات مادرزاد چنین توانایی هایی دارند. حیوانات زمین را خانه خود میدانند و بومی زمین هستند. اما انسان زمین را خانه خود نمی داند. یک حسی در انسان هست که میخواهد دوباره به خانه خویش که همان بهشت است برگردد ولی غافل از اینکه تنها راه برگشت به بهشت، پرهیزگاری و خدا پرستی است و هر راه دیگری به جهنم ختم میشود.

خیلی جالب است که همین انسان که از بهشت به کره زمین رانده شده است، منکر هدایت از طرف خداست. هدایتی که برای پایان دادن به تبعید نازل میشود!!! وجود شیطان در کنار انسان ، منطق های ساده را از انسان سلب کرده است. انسان پیامها برای نجات یافتن از تبعید را رد میکند، مثل یک زندانی که نمیخواهد از زندان آزاد شود. این است که اینجور آدمها ناخواسته به تبعید گاه بعدی میروند که همان جهنم است. اینجور آدمها فکر میکنند برای همیشه در اینجا هستند. افراد با این نوع تفکر هیچگونه از خودگذشتگیی ندارند و هیچوقت در راه خدا جان و اموال خود را به خطر نمی اندازند.

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٣٢﴾
و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعا سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است آیا نمی اندیشید (٣٢)

وقتی میروی طبیعت ، هیچ صدایی شما را اذیت نمی کند. صدای قورباغه و جیرجیرک و کلاغ و گنجشک هیچوقت برای ما مزاحم نیستند. حتی آرامش دهنده هم هستند. کسی از قناری برای آوازش تشکر نمیکند ولی قناری همیشه با تمام وجودش میخواند. کسی به کبک نمی گوید بخواند، ولی او با تمام وجودش میخواند. آنها بلدند که چکار کنند و چکار نکنند. اما یک انسان بعد از سالها مدرسه رفتن و

درس خواندن، تازه متوجه میشود که تابحال اشتباه زندگی کرده است! این است که انسان با طبیعت و زمین زیاد همگون نیست و در بسیاری از موارد به طبیعت و خود آسیب میزند. حیوانات طبق غریزه خدادادی عمل میکنند. اما انسان هم فطرتا خداپرست به دنیا می آید ولی متاسفانه تلقینهای آباء و اجدادی کار را خراب میکنند و به این طریق انسان در فطرت خدادادی خویش دستکاری میکند و از همین جاست که آدم شروع میکند به عمل برخلاف فطرت و طبیعت در زمین . آدمی برای یک لحظه هیجان ، در مسابقه گاوبازی، گاوها را سلاخی میکند و برای انسانی که فطرت خود را دستکاری کرده است، هیجان مهمتر از هر چیزی است.

حیوانات میدانند که چگونه از طبیعت حفاظت کنند. آنها کاری نمی کنند که طبیعتشان نابود شود. زیرا زمین را خانه خویش میدانند. یک کلاغ در حفاظت از طبیعت داناتر از انسان است.

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ* فَبَعَثَ اللّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَـذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

«نفسش او را به کشتن برادر ترغیب کرد و او را کشت و از زیانکاران گردید*خدا کلاغی را واداشت تا زمین را بکاود و به او بیاموزد که چگونه جسد برادر خود پنهان سازد (قابیل)گفت: وای بر من، در پنهان کردن جسد برادرم از این کلاغ هم عاجزترم و در زمره پشیمانان در آمد.

اگر چشم انسانهای دیگر و یا شبکه های اجتماعی نباشد ، بشر براحتی هر چه آشغال دم دستش است در طبیعت رها میکند، انگار زمین خانه او نیست ! البته آدمهای پرهیزگار اینکار را نمی کنند زیرا نسبت به آنچه انجام میدهند، خود را مسئول میدانند. خدا دو راه پیش پای ما تبعید شده ها گذاشته است:

یک:

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿۴۹﴾
به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان (۴۹)

دو:

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿۵۰﴾
و اینکه عذاب من عذابی است دردناک (۵۰)

تنها راه سپری کردن دوران تبعید در زمین از نظر قرآن:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿۶۳﴾

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿۶۴﴾

و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾

و کسانی اند که می گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است (۶۵)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿۶۶﴾

و در حقیقت آن بد قرارگاه و جایگاهی است (۶۶)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿۶۷﴾

و کسانی اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند (۶۷)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿۶۸﴾

و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را ریافت خواهد کرد (۶۸)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿۶۹﴾

برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می شود و پیوسته در آن خوار می ماند (۶۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۷۰﴾
مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها تبدیل می کند و خدا همواره آمرزنده مهربان است (۷۰)

دانشمند آمریکایی علوم ژنتیک ثابت کرده است که کروموزمهای انسان با سایر حیوانات تفاوت زیادی دارد. ژنتیک حیوانات طوری آفریده شده است که مقاومت بیشتری در برابر پرتوهای مضر و شدید خورشید دارند و نور خورشید در زمین مناسب آنهاست. اما ژنتیک بشر تا درصد مشخصی او را در مقابل خورشید محافظت کرده است و کامل نیست. حتی اگر روزی بشر بخواهد که در یک کره دیگر مثل مریخ ساکن شود و امکانات آن فراهم شود، قطعا با توجه به مقدار مقاومت در مقابل اشعه های خورشید، قادر به زندگی نیست، مگر اینکه حفاظی برای او در مریخ درست شود. البته بشر مقاومتش را نسبت به نور خورشید روز به روز بیشتر از دست میدهد و روز به روز وضعیت خرابتر میشود. انگار با هر بار سرپیچی دوباره هبوط پیدا میکند.

بدن انسان برای خنثی کردن تمام میکروب‌های موجود در زمین کامل نیست و بدن حیوانات آمادگی بسیار بیشتری دارند. به همین خاطر حیوانات به نسبت انسان بسیار بسیار کمتر مریض میشوند. و البته انسان اکثر مواقع مریض است.

انسان‌ها با وجود آسیب‌پذیری بالا در مواجهه با حوادث، با به‌کارگیری روش‌های علمی و استفاده از ابزارهای اختراعی خود در برابر نابودی مقاومت می‌کنند. این نوع مقاومت در مقابل حوادث و استفاده از علم همان کلماتی است که خدا به آدم القاء کرد ولی مشکل این است که شیطان هم کلماتی بر انسانها نازل میکند و علم مضر بوجود میاید. بشر تنها موجودی است که تقریبا همه چیز میخورد و این سردرگمی او ناشی از ناآشنایی او با زمین است. در حالی که حیوانات دیگر فقط آنچیزی را میخورند که نیاز جسمی آنان را برآورده میکند. اگر کمک خدا نباشد، بشر قادر به حیات نخواهد بود. زمانی که قحطی بزرگی در زمان یوسف اتفاق افتاد. تعبیری که یوسف انجام داد؛ باعث نجات آن نسل از مرگ شد. شاید وحی باعث شده است که بشر سرعت سیر تکاملیش خیلی زیاد باشد. به همین خاطر خدا میفرماید که شب قدر از هزار ماه بهتر است. هزارماه یعنی تقریبا 82 سال. 82 سال یعنی مدت عمر یک انسان طبیعی و تقریبا سالم. یعنی مطلبی که در شب قدر برای راهنمایی بشر نازل میشود، اگر انسان بخواهد خودش بدون وحی الهی بدست آورد، 82 سال طول میکشد، آنهم اگر بشر بتواند! در اینجا متوجه میشویم که بشر

تمام پیشرفتهای خود را مدیون وحی است و جالب است که انسان این موضوع را انکار میکند!

آدمی تا وقتی یک نعمت را از دست ندهد، متوجه وجود آن نمیشود. اگر آب فراوان است ، او با خیال راحت ماشین و حیات خانه را میشوید و باغچه را آب میدهد و ... اما اگر آب کمیاب شود، آنوقت متوجه میشود که چه نعمتی را داشته است و خودش بی توجه بوده است. در حالیکه اگر برای هرنعمتی خدا را شکر کند، خدا برای او زیادترش میکند.

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾
و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید قطعا عذاب من سخت خواهد بود (٧)

کمبودهایی که خدا در زندگی برای آدمیان بوجود میاورد بخاطر شوک وارد کردن به آنهاست تا که بیدار شوند. همین نکته ثابت میکند که ما در یک زندگی مسافرتی هستیم . خدای مهربان مدام زندگی بهشتی را در قرآن به ما یادآوری میکند تا متوجه شویم که کجا بوده ایم و کجا آمده ایم و مواظب باشیم کجا میرویم و تلنگری باشد برای ما.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾

و قطعا شما را به چيزى از [قبيل] ترس و گرسنگى و كاهشى در اموال و جانها و محصولات مى آزماييم و مژده ده شكيبايان را (١٥٥)

به همین خاطر ، انسانهای خوب بعد از هر گونه کمبود و مصیبتی، فورا متنبه شده و میگویند که إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم. زیرا موطن اصلی ما پیش خدا در بهشت بوده است و به سوی او بر میگردیم.

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

[همان] كسانى كه چون مصيبتى به آنان برسد مى گويند ما از آن خدا هستيم و به سوى او باز مى گرديم (١٥٦)

اما ممکن است که انسان متنبه نشود و سرنوشتی مثل قوم فرعون پیدا کند.

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

و در حقيقت ما فرعونيان را به خشكسالى و كمبود محصولات دچار كرديم باشد كه عبرت گيرند (١٣٠)

گاهی افراد تبعیدی در زمین ، گناه را به حداکثر میرسانند و بخاطر این گناهان، محیط پر از فساد میشود. دراین حالت خدا تبعید گناهکاران را به جهنم به جلو می اندازد و عذاب خود را بر آنها نازل کرده و زودتر از موعد آنها را راهی جهنم میکند. زیرا این نوع عذاب برای بقای بشر روی زمین، لازم است.

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١۶﴾

و چون بخواهیم شهری را هلاك كنیم خوشگذرانانش را وا می داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد پس آن را [یكسره] زیر و زبر كنیم (١۶)

بیماری کووید ١٩ هم پیامی بود از طرف خدا به تبعید شده ها . انسان نسبت به زمین و طبیعت پیرامون خویش تعدی می کند . کووید نوزده فرصتی بود تا طبعیت خودش را بازیابی کند مثلا لایه ازون در این فرصت تا حدی خودش را ترمیم کرد. این در حالی است که کرونا برای بومی های زمین مشکل چندانی ایجاد نکرده است. بدن انسان نسبت به ویروسهای زمین بسیار ضعیف است.

کووید 19 یک ویروس ساده است که در کره زمین بوجود آمده است. این ویروس بیش از دو سال زندگی بشر در کره زمین را مختل کرد و نشان داد که بشر بسیار

ضعیف است. اگر خدا بخواهد، میتواند زندگی بشر در کره زمین را با یک ویروس ساده آنقدر مختل کند که همگی کلافه شوند. کووید 19 به امر و اذن خدا، عکس العمل طبیعی زمین بود در مقابل دست درازیهای انسان نسبت به طبیعت. اگر خدا بگذارد، ویروسها و جانداران زمین، در مدت یک ماهه، کل انسانها را نابود میکنند. ولی آنها تحت امر خدایند و فقط در وقت مشخص و اجل مشخص اینکار را میکنند.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿۳۰﴾
و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی گذرد (۳۰)

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۳۱﴾
و شما در زمین درمانده کننده [خدا] نیستید و جز خدا شما را سرپرست و یاوری نیست (۳۱)

گسترش فساد در جامعه شرایط را برای نابودی زمین فراهم میکند. بیشتر مردم میخواهند بعد از چند سال میلیاردر شوند و بی نیاز از همه چیز! آنها آنقدر آب از زمین بیرون میکشند که منجر به تغییرات فیزیکی زمین و در نتیجه زلزله مهیبی میشود. بشر برای رفع نیازهای خویش اکثر اوقات روش غلط را انتخاب میکند و

باعث نابودی طبیعت خود و نسل آینده میشود و همچنین باعث نازل شدن عذاب خدا بر خود میشود. زیباترین و امیدبخشترین توصیه خدا در این مورد :

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (٨٣)

بیشتر مشکلات جامعه از اینجا ناشی میشود که مردم در جامعه خواستار برتری بر یکدیگر هستند. چه از نظر مادی و چه از نظر مذهبی. این نوع برتری جوییها نهایتا منجر به ظلم و فساد میشود.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (٨٣)

از آنجا که ما تبعید شده به زمین هستیم، شرایط ما زیاد با زمین جور نیست. مثلا هیچکدام از جانداران دیگر در سرما و گرمای زمین زیاد اذیت نمیشوند . شرایط

بدنی آنها با زمین جور است. اما انسان در گرما و سرما اذیت میشود و خیلی از مواقع بدون کولر و خنک کننده نمی تواند راحت زندگی کند. اما کدام حیوان کولر استفاده میکند؟ آنها طریقه خنک کردن خود را میدانند ولی بشر نمیداند. این است که جانداران دیگر بسیار بندرت بیمار میشوند. اما واقعا انسان اکثر اوقات بیمار است.

وقتی میدانیم و علم داریم که ما تبعید شده هستیم به زمین، در آنصورت جور دیگری به این زندگی می نگریم. مثل یک مسافریم. همیشه باید آماده رفتن باشیم. همیشه باید خودمان را آماده بکنیم و آمادگی رفتن داشته باشیم. ولی با کردار خویش آثار خوبی در زمین باقی بگذاریم. بعضی ها چنان به زمین و محتوایش می چسبند انگار که برای همیشه اینجایند.

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ﴿٣﴾
پندارد که مالش او را جاوید کرده (۳)

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾
ولی نه قطعا در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾
و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿۶﴾

آتش افروخته خدا[یی] است (۶)

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿۷﴾

[آتشی] که به دلها می رسد (۷)

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ﴿۸﴾

و [آتشی که] در ستونهایی دراز آنان را در میان فرامی گیرد (۸)

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿۹﴾

در ستونهاي كشيده و طولاني! (۹)

یا مثل کسی که سالها عبادت کرد ولی فکر نمی کرد که مسافر باشد و به زمین و زیور آلات آن چسبیده بود. آخر و عاقبت خوبی نداشت.

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿۱۷۵﴾

و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد (۱۷۵)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۷۶﴾

و اگر می خواستیم قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می بردیم اما او به زمین [=دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد این مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن شاید که آنان بیندیشند (۱۷۶)

اینکه ما با این طرز تفکر زندگی کنیم که مسافریم و اصالتا اینجایی نیستیم، در طرز زندگی ما بسیار موثر است و حسهای شیطانی طمع، بخل، کینه و ... را از خود دور میکنیم. شاید بتوانم بگویم که مرگ در این جهان بزرگترین نعمتی است که خدا آفریده است. مرگ آدمی را از خیلی مشکلات نجات می دهد. خدا این نعمت را به تمام پرهیزگاران داده است. مرگ برای پرهیزگاران رهایی بخش است و برای گناهکاران ورود به مرحله ای جدید از عذاب. در جهنم مرگ وجود ندارد و در عوض زندگی هم وجود ندارد. در حالیکه در جهان فعلی ما، زندگی میتوان کرد (هر چند با مشکلات زیاد ولی قابل تحمل است) . اما در جهنم همین زندگی هم وجود ندارد و مرگ هم وجود ندارد. این یعنی بدبختی بسیار بزرگ که تا ابد گریبانگیر گناهکاران خواهد بود.

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿۹﴾پس پند ده اگر پند سود بخشد (۹)

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾آن کس که ترسد بزودی عبرت گیرد (١٠)

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾و نگون‌بخت خود را از آن دور می دارد (١١)

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾همان کس که در آتشی بزرگ در آید (١٢)

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد (١٣)

با توجه به اینکه ما تبعید شده ایم به زمین، از آیات قرآنی مشخص میشود که خدا نمی خواهد که ما زمین را انتخاب کنیم و به زیورآلات آن بچسبیم. تنها راه حل برگشت ما به جای اصلی در این است که به زمین و زیورآلات داخل آن دل نبندیم و دل خوش نکنیم. خدا زندگی در زمین را فقط چند روز از زندگی بهشتی اعلام میکند. آن را لهو و لعب می نامد. وقتی ما دل به مقامات و زیور آلات زمین نبندیم، به نوعی نفس خویش را تزکیه کرده ایم . آدمی در زمین باید از یک سری چیزها بگذرد تا بتواند به جایگاه اصلی برگردد و این همان امتحان ما در تبعید است.

بعضی ها میگویند که جهنم وجود ندارد و جهنم و بهشت همینجاست! مهمترین دلیل بر وجود جهنم، این است که ما همانطور که در بهشت بخاطر ارتکاب گناه به اینجا زمین تبعید شدیم. کسانی هم که در اینجا گناه مرتکب شوند، به جایگاه

بسیار بدتری به اسم جهنم تبعید میشوند. قطعا مرگ و عدم بهتر از جهنم است. بر طبق قرآن این آرزوی جهنمیان است که برآورده نمیشود. جهنمیان روزی هزار بار آرزوی عدم و مرگ میکنند ولی امکان پذیر نیست. کسی که میگوید که جهنم وجود ندارد و بعد از مرگ همه چیز تمام میشود؛ در جواب باید به او گفت ای کاش اینطوری بود که شما می گویید. عدم بسیار بهتر از جهنم است. ولی قطعا اینطوری نیست و وجود جهنم حتمی است.

انسانهای تبعید شده، بدنشان نسبت به زمین بسیار ضعیفتر از موجودات دیگر است. کمتر آدمی است که در طول عمرش به پزشک مراجعه نکرده باشد. سیستم غذایی زمین بطور کامل مناسب انسان نیست. انسان با تغییراتی که در غذاها ایجاد میکند، ناخواسته و خواسته به بدن خویش آسیب میرساند. چربی خون، مرض قند، فشار خون و ... از آثار مصرف غذاها و ترکیبات ساخته انسان است. حیوانات بسیار کمتر دچار این امراض میشوند.

به همین خاطر خدا برای نسل بشر سیستم روزه را در نظر گرفته است تا که انسان بدنش را در مقابل این غذاهای بد ترکیب حفاظت کند. ما در تبعید بسر می بریم و در نتیجه شرایط روی زمین زیاد مناسب نیست؛ اما خدای قادر متعال آنقدر مهربان است که حتی در این شرایط تبعیدی هم به فکر بدن ماست تا که خودمان را حفاظت کنیم. خدا شفای بدن ما را در عسل قرار داده است تا که انسان آثار بد غذاهای من در آوردی و بد ترکیب را خنثی کند.

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۶۹﴾

سپس از همه میوه ها بخور و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه بپوی [آنگاه] از درون [شکم] آن شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید در آن برای مردم درمانی است راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه [قدرت الهی] است (۶۹)

آدمی با یک غوره سردی می کند و با یک مویز گرمی. اکثر آدما چنین ضعیف هستند. در حالیکه جانداران دیگر چنین نیستند. زیرا آنها میدانند که چی بخورند و چی نخورند. ولی آدمیزاد بعلت اینکه با طبیعت اخت نیست، خیلی راحت از تعادل خارج میشود. تجربه نشان داده است که انسانهایی که با طبیعت اخت تر و نزدیکترند، عمر بیشتری میکنند. آدمی هر چی با طبیعت بیگانه تر باشه، بیشتر مریض میشود و بیشتر از ویروسها و میکروبهای زمین ضربه می بیند. آدمی البته مجبوره که این کمبودها را با تکنولوژی و داروهای مصنوعی جبران کند.

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿۲۸﴾

خدا می خواهد تا بارتان را سبك گرداند و [می داند كه] انسان ناتوان و ضعیف آفریده شده است (۲۸)

سیگاری ها با آنکه می دانند نیکوتین آن ها را از پای در می آورد، سیگار را ترک نمی کنند. آنها با اینکه میدانند دود حاصل از سیگار ریه آنها را نابود میکند، ولی ترک نمی کنند. کسانی که مشروبات الکلی و مخدرها مصرف میکنند، با آنکه میدانند مشروبات الکلی و مواد مخدر برایشان مضر است ولی باز ترکش نمی کنند. زیرا آنها فکر میکنند با سیگار و مواد مخدر به حالت آرامش میرسند و شخصیتشان ارتقا می یابد. یعنی انسان تبعید شده برای بازیابی خودش و بازیابی اصل خویش بنابه وسوسه شیطان به چیزهایی روی می آورد که مضر و زیان آور است. هیچ جاندار دیگری روی کره زمین این چنینی نیست.

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى ﴿١٢٠﴾

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (١٢٠)

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿١٢١﴾

آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود و [اين گونه] آدم به پروردگار خود عصيان ورزيد و بیراهه رفت (١٢١)

بشر غذای مشخصی در زمین ندارد و بیشتر غذاهای ترکیبی مصرف میکند. بعضی ها به گیاه خواری روی آورده اند ولی عملا خیلی مشکلات در زندگی دارند ، گیاه خواران خیلی زود ضعف می کنند، مثلا گیاه خواران به هم دیگر توصیه میکنند که برای جلوگیری از ضعف فلان چیز را بخورید! اگر از گرسنگی غش کردید فلان کار را بکنید. اگه حال نداشتید بلند شوید، سه تا خرما بخورید و ...

بشر بهتر است به جای این کارها در تغذیه تعادل داشته باشد و در هیچ چیزی زیاده روی نکند. افراط و تفریط در هر چیزی مشکل زاست. همین مشخص نبودن غذای انسان در زمین، بخاطر در تبعید بودن اوست.

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگیرید و بخورید و بیاشامید و[لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد (٣١)

بشر از آنجا که اصالتا بومی زمین نیست، در برخورد با طبیعت یا زیاده روی میکند و یا کوتاهی. در کنار یک آبشار خودش را بخطر می اندازد و متوجه عواقب کار خود نیست. هیجان ناشی از کارش برایش مهم است. در حالیکه حیوانات دیگر هیجانات مخاطره آمیز بکار نمی برند. انسان در خوردن گیاهان و گوشتهای

طبیعت هم یا افراط می کند و یا تفریط. به همین خاطر سلامتی خود را به خطر می اندازد.

اگر یک ذره خوشی در زمین داریم، بخاطر توجه و رحمت خداست. گاهی انسانها فکر میکنند که خدا در مشکلات کنترل امور را در دست ندارد! در حالیکه خدا لحظه به لحظه ما را می بیند و ما را نظاره گر است. در هر دم و بازدمی خدا ما را می بیند. اگر اکنون زمین هنوز قابل استفاده است و میتوان روی آن نفس کشید؛ بخاطر رحمت و توجه خداست. در جهنم ، آدمیان از رحمت خدا دورند و بین خدا و آنها حجابی قرار می گیرد که زندگی را بر مردم مشکل میکند.

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿۱۵﴾
زهی پندار که آنان در آن روز از پروردگارشان جدا خواهند بود(۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ﴿۱۶﴾
آنگاه به یقین آنان به جهنم درآیند (۱۶)

وقتی از رحمت خدا دور باشی و مورد لعنت خدا قرار گیری، در آنصورت پشت و پناهی نداری و رحمانیت خدا شامل تو نمیشود و برای همیشه در زجر بسر می بری. این عاقبت گوش دادن به حرف شیطان است . این همان جهنم است که قرار است گناهکاران کره زمین به آن تبعید شوند.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾وای بر تکذیب کنندگان در آن هنگام (١٠)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾آنان که روز جزا را دروغ می پندارند (١١)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی گیرد (١٢)

درست است که ما اصالتا زمینی نیستیم، اما اصالت فقط این نیست که از کجا آمده ایم، بلکه این که به کجا می رویم و چطوری میرویم هم جزو اصالت ماست که خودمان در این دنیای فانی چند روزه باید آن را بسازیم و با اعمال خویش آن را رقم بزنیم. فرصت ما محدود است زیرا هر لحظه ممکن است که اجلمان فرارسد و کار از کار بگذرد. ما از آن خدا هستیم و به سوی او هم باز می گردیم.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم

ایمان بدون عمل صالح بی فایده است. ایمان ما باید طوری باشد که عمل صالح بیافریند تا اصالت و شخصیت ما را در این چند روزه دنیای فانی بسازد. اگر ایمان

باعث عمل صالح نشود، بیفایده ست و قابل قبول نیست. فرعون در لحظات آخر عمرش به خدا ایمان آورد ولی از آنجا که ایمانش باعث هیچ عمل خوبی نشده بود، قابل قبول نبود. در واقع کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده باشد، ایمان آوردنش سود نمی بخشد و بی فایده است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۵۸﴾

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

هر غریزه ای که خدا آفریده است، یک هدف در آن است که باید براساس آن استفاده شود. خدای متعال غریزه جنسی را جهت حفظ بقاء و تولید نسل در موجودات گذاشته است. اما متاسفانه بعضی مکاتب در طول تاریخ و هم اکنون چنین اهدافی را زیر پا گذاشته اند. قوم لوط نیازهای غریزی خود را تغییر داده بودند. آنان ماهیت نیاز جنسی خویش را تغییر داده بودند. آدمی نباید ماهیت غرایز طبیعی خویش را تغییر دهد و گرنه دچار دردسر خواهد شد.

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾

ترجمه: پس به هنگام طلوع آفتاب فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت.

قوم لوط دچار عمل زشت لواط شدند و بهمین خاطر خدا عذاب را بر آنان نازل فرمود. این نشان می دهد که در صورتی که یک قوم خاصی غرایز منحرف شده را در دنیای واقعی اجرا کنند ، خدای متعال بعد از مدتی عذاب را بر آن قوم نازل می کند. زیرا غرایز منحرف شده برخلاف طبیعت است و محکوم به نابودی است. خدای مهربان آنقدر رحمش فراوان است که صرفا بخاطر ذهن و تفکرات کسی را در این دنیا عذاب نمی کند. بلکه فقط وقتی عذاب نازل می کند که آن غرایز به مرحله عمل رسیده باشند.

بشر تبعید شده آنچنان در طبیعت دستکاری کرده که بالاخره نتیجه و عواقب تغییرات خویش را خواهد گرفت. همین حالا جاهایی در ایران هستند که آبهای زیر زمینی در آنها نزدیک 570 متر پایین رفته است و این یعنی فاجعه. قطعا چنین فاجعه ای، آن جامعه را به نابودی خواهد کشاند. بیشتر حشرات و حیواناتی که زیر زمین زندگی میکنند خطر را زودتر از انسان درک میکنند و به سطح زمین می آیند تا خود را نجات دهند. البته این وضعیت را انسان برایشان پیش آورده است و آنان در این زمینه هیچ گناهی ندارند. اما انسان خطر در بیخ گوش خود را هم درک نمی

کند. انسان متوجه نیست که بزودی دچار یک زلزله مهیب خواهد شد و برای همیشه نابود میشود.

وقتی صحبت از نابودی لایه ازن میشود، به یاد بیماریهای پوست می افتیم، وقتی گرم شدن زمین مطرح است و در نتیجه یخ های قطبی آب میشوند ، به یاد زیر آب رفتن شهرها می افتیم. وقتی آلودگی هوا مطرح است، انواع سرطان های ریه و گوارش بالا میگیرد وقتی صحبت از زیاده روی در مصرف آب است، یاد زلزله و رانش زمین می افتیم و هزاران مثال دیگر. انسان تبعید شده خودخواه و خودبین و ظالم است. او نه تنها به فکر جانداران دیگر زمین نیست، بلکه به فکر نسل بعد از خودش و فرزندان خود هم نیست. ایدئولوژیهای مذهبی و غیر مذهبی که حفاظت از زمین و محل زندگی برایشان مهم نیست، قطعا ایدئولوژیهایی شیطانی هستند.

انسان از نظر علمی میتواند پیشرفت کند و راههایی برای رهایی از نابودی محیط خود پیدا کند ولی جنبه شیطانی انسان را نباید فراموش کرد که مشکل اصلی از همینجا ناشی میشود. صفات بد شیطانی که در تک تک انسانها نفوذ کرده و باعث میشود علم چندان موثر نباشد. طمع برداشت محصول بیشتر، باعث نابودی آبهای زیرزمینی و بالتبع وقوع زلزله خواهد شد. بیشتر انسانها در ظاهر مخالف اسرافند ولی در عمل چیز دیگری انجام میدهند. طمع، حسد، کینه، دشمنی، تنبلی و... از صفات شیطانی اند که باعث نابودی زمین خواهد شد. اسراف در مصرف آب بخاطر

طمع، ساخت و بکارگیری ابزارالات جنگی مضر بخاطر دشمنی و ... . همگی ناشی از صفات شیطانی اند. به جرات میتوان گفت که در طول تاریخ اگر رسولان خدا نبوده بودند، تمام جهان رو به نابودی میرفت. مورچه ها میلیونها سال است که در زمین زندگی میکنند و هنوز هم هستند ولی انسان ده هزار سال است که روی زمین است و کار خود را به مشکل کشانده است. قطعا انسان هیچوقت نمیتواند میلیونها سال روی زمین زندگی کند و آن را به نابودی خواهد کشاند.

پیش بینی زلزله توسط حیوانات یک امر طبیعی است و بخاطر اخت بودن آنها با زمین است. اما بشر تبعید شده، در این مورد کاملا گیج است. مشاهدات زیادی مبنی بر ترک لانه قبل از وقوع زلزله از سوی مارها، راسوها و موش ها گزارش شده است؛ این حیوانات برای فرار از خطرات زلزله، چند روز پیش از وقوع آن، محل را ترک میکنند. حتی بعضی مارها یک ماه قبل از زلزله ، محل را ترک میکنند! حیوانات قبل از زلزله انواع مختلفی از بی قراری ها تا ترک لانه و فرار را بروز می دهند. آزمایشات نشان داده است که مورچه ها قبل از زلزله، بسته به شدت زلزله ، نظم و آرامش خود را از دست می دهند. این موارد نشان میدهد که حیوانات و موجودات دیگر تنها در صورت وقوع یک خطر واقعی دچار استرس و ترس و اضطراب میشوند. اما بیشتر استرسها و ترسها و ناراحتی هایی که انسان بر خود تحمیل میکند، غیر واقعی است و بیشتر الکی است و فقط احساسات و توهمات است. همین مورد دلیل تبعید انسان به کره زمین را مشخص میکند. تا وقتی که

انسان این خصوصیات بیخود را از خود دور نکند، نمی تواند به موطن اصلی خویش بهشت بر گردد. واکنش در مقابل یک خطر غیرواقعی و کاذب! استرس بخاطر هیچ! ترس از هیچ!

هیچ حیوانی از تاریکی نمیترسد بجز انسان! هیچ حیوانی برای خود توهم نمیسازد تا بعد از توهم خودساخته بترسد. البته دلیل این رفتار انسان برمیگردد به قرین او که همان شیطان است. شیطان متاسفانه با القاء ترس به قربانیان خود، آنان را کنترل میکند.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۶۸﴾

شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۸)

انسان در محیطی که هر روزه زندگی میکند و هر روز می بیند، باز کارهای غلط را تکرار میکند و بندرت و ناچاری از تجربیات خود استفاده میکند. انسانهای متکبر سیستم و محل زندگی خویش را درک نمی کنند. اگر یک الاغ در حال سفر اشتباه یا خطری را حس کند، حرکت نمی نماید و آغاز به کوبیدن پاهایش می نماید. این رفتار از روی هوش آن هاست اما مردم فکر می نمایند از روی سرکشی و لجبازی

آن هاست؛ بسیاری از مردم به همین خاطر الاغ ها را موجوداتی احمق تصور میکنند و آنها را میزنند! اما انسان نیازی نمی بیند که طرز فکرش را در مورد زمین و موجودات بومی آن تغییر دهد، زیرا دست بالا را دارد و میتواند جان بقیه را براحتی بستاند. هر چند که بعضی خصوصیات بد در حیوانات هم هست که آزار دهنده است. مثلا صدای خر برای یک انسان ناخوشایند است و البته این خاصیت بد را خدا خودش برای عبرت انسانها آفریده است.

طرز رفتار انسان با محیط زندگیش نماد آنچیزی است که در درون آدمی رخ میدهد. وقتی افراد یک جامعه طمعکار و پول پرست باشند ، در آنموقع آب و سایر منابع طبیعی را به اتمام میرسانند و در آنصورت برای خود زلزله می آفرینند. این است که خدا عذابهای دنیایی را حاصل و نتیجه کارهای خود انسان میداند.

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿۳۰﴾
و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی گذرد (۳۰)

در آیه بعدی خدای حکیم می فرماید که ای مردم شما در زمین زیاد توانا نیستید ؛ اگر خدا بگذارد و امر کند، یک ویروس ساده مثل کرونا زمین گیرتان میکند. در آنصورت فقط خدا میتواند نجاتتان دهد و بجز او یاوری ندارید.

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾
و شما در زمين درمانده كننده نيستيد و جز خدا شما را سرپرست و ياورى نيست (٣١)

خدای حکیم میفرماید که مغرورانه روی زمین راه نرو. یعنی نسبت به انسانها و سایر موجودات و منابع زمین افتاده باش و اسراف نکن. کسی که بداند از کجا آمده است و برای چی به زمین تبعید شده است، وضعیتش در زمین بسیار بهتر است. بسیار بهتر میتواند با کمبودها و کاستی ها بسازد. در آنصورت انسان باید به اعمالی که انجام میدهد و عواقب آن فکر کند. قطعا خدا ما را جهت آبادانی به زمین تبعید نموده است و نه جهت خرابکاری و فساد.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾
آن سراى آخرت را براى كسانى قرار مى دهيم كه در زمين خواستار برترى و فساد نيستند و فرجام [خوش] از آن پرهيزگاران است (٨٣)

خدا صراحتا و علنا مردم را به سمت جای اولیه مان دعوت میکند و خیلی واضح زندگی زمینی را هیچ و لهو و لعب اعلام میکند. خدا میفرماید ای مردم برای رسیدن به بهشتی تلاش کنید که وسعتش به اندازه آسمان و زمین است. خدا حتی وسعت بهشت وعده شده را هم بیان میدارد تا اهمیت موضوع را بیان دارد.

شیطان با این حیله آدم و حوا را از بهشت بیرون کرد که به ملائکه تبدیل شوند. این تبدیل شدن به یک موجود دیگر از خصوصیات بشر است. بشر هیچوقت در موقعیت کنونی خویش راضی نیست. یک فقیر و یک ثروتمند هیچوقت به آنچه که دارند راضی نیستند. فقیر آرزو دارد که ثروتمند شود و ثروتمند آرزو دارد محیط آرامی داشته باشد و خوشبخت شود ولی هیچی نداشته باشد! و به این طریق آروزها برای جابجایی ها ادامه دارد. بشر باید به نقشی که خدا او را در آن آفریده راضی باشد و در آن نقش درست عمل کند و وقتش را تلف نکند.

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿۱۱۷﴾

پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناك] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی (۱۱۷)

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿۱۱۸﴾

در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی (۱۱۸)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿۱۱۹﴾

و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب‌زده (۱۱۹)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى ﴿۱۲۰﴾

پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جاودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم (۱۲۰)

اما جالب است که خدای حکیم طبق آیات بالایی در بهشت به آدم هشدار تبعید به زمین داده بوده است. خدا هشدار داده بود که ای آدم زنهار که شیطان شما را از بهشت بیرون نکند و آنوقت بد بخت وشقی میشوی. ای بنی آدم حالا شما در جایی هستی که نه تشنه میشوی و نه گرسنه و نه برهنه و نه آفتاب سوخته و ... این یعنی این که اگر نافرمانی کنی و فریب شیطان را بخوری ، به جایی میروی که تشنه میشوی و گرسنه میشوی و برهنه میشوی و آفتاب سوخته میشوی و... اینها تعریف خداست از زمینی که هم اکنون در آن در تبعید به سر می بریم. خدا این هشدارها را قبلا گفته بوده است در بهشت! خدا قبلا گفته بوده است که زمین جای زیاد مناسبی برای زندگی بنی آدم نیست.

البته همین حالا در این مکان یعنی در زمین ، خدا هشدارمان میدهد به تبعید گاه بعدی به نام جهنم. جالب است که همان هشدارها دارد تکرار میشود ولی کو گوش شنوا! بزرگترین گناه آدمیزاد در نظر نگرفتن هشدارها و خط قرمزهایی است که خدا تعیین میکند. اگر این هشدارها و خط قرمزها رعایت نشود، آدمی خیلی راحت در آغوش شیطان می افتد.

ولی جالب اینجاست که آدمیزاد بخاطر نافرمانی در بهشت به اخراج شدن به جایی به اسم زمین وعده داده شده است. خدا اخراج به زمین را یک عذاب برای ما در نظر گرفته است. اینجا خیلی واضح مشخص میشود که بهشت چه جای راحتی بوده است! و همچنین همین زمین که زندگی در آن به سختی میگذرد ؛ خیلیها به خاطر تصاحب و مالکیت همین زمین، چه جنایتها که مرتکب نمی شوند. بدا بحال کسی که به زمین بچسبد.

قبلا که آدم و حوا در بهشت بودند، شیطان به این روش آنها را فریب داد که به آنها وعده تبدیل شدن به ملائکه و جاودانگی داد. در بهشت هر گونه امکاناتی بود در حد اعلی. شیطان آنها را به بهانه جاودانگی و تبدیل شدن به ملائکه فریب داد. آدم و حوا دقیقا مهمترین دستور خدا را براحتی زیر پا گذاشتند.

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿۲۰﴾
پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورتهایشان برایشان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید (۲۰)

اما حالا در زمین که اصلا امکانات بهشت را ندارد و زندگی به سختی میگذرد؛ شیطان وعده مال اندوزی و امکانات ساده همان بهشت را به مردم میدهد تا آنان را گمراه کند! دیگر از وعده جاودانگی و فرشته شدن خبری نیست!

آدمیزاد فکر میکند که اگر شغل خوب و مقام خوب و یا درآمد خوبی داشته باشد، در آنصورت خوشبخت میشود. او تصور میکند که اگر یک زوج خوب و فرزندانی داشته باشد، در آنصورت خوشبخت میشود و... ولی این آدمی که از این تصورات دارد، هفت میلیارد آدم دیگر را می بیند که بسیاری از آنان زن و فرزند دارند و مال و منال دارند. حتی لحظه ای به وضعیت آنان توجه نمی کند که آیا اینهایی که این امکانات و اموال را دارند، خوشبختند یا نه؟ اگر خوشبخت نیستند، به چه دلیل؟

بشر بعد از این همه تجربه و سابقه هنوز نمی خواهد قبول کند که خوشبختی واقعی فقط در گرو دل بستن به خداست و بس.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾
همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد (٢٨)

بشر اگر امکانات و مال داشته باشد، بعد از سالها زندگی و دل بستن به مال و منال باید یک آزمایش مهم پس دهد. باید بعد از سالها دل بستن به مال و منال، یک روزی به فکر دل کندن از آنها باشد. ما باید قبل از مردن خویش این

آزمایش را روی خود انجام دهیم. مراسم حج که خدای حکیم برای ما گذاشته است ، دقیقا به این خاطر است که فرد خود را آزمایش کند که آیا میتواند به مدت فقط چند هفته مال و منال خود را ول کند! البته متاسفانه امروزه کسی که به حج میرود، هر روز و حتی هر ساعت با خانواده خود تماس میگیرد و پیگیر امور مال و منال خویش است! و این دقیقا برخلاف روح مراسم حج است. در حالی که خدا میخواهد که ما طی این مراسم، زمین محل زندگی خویش را ترک کنیم و از داشته های خود دل بکنیم. این آزمایش بسیار مهمی است که هر کسی که مال و منالی دارد، باید روی خود انجام دهد. تا ببیند آیا به زمین چسبیده است یا آماده برگشت به بهشت است؟ خدا آنقدر حکیم است که میخواهد ما این تست را روی خود انجام دهیم قبل از رفتن به سرای قیامت. تا که اگر مشکلی داریم و دلبسته زمینیم، در مدت باقیمانده عمرمان، فکری به حال خود کنیم. کسی که مال زیاد ندارد، این آزمایش برای او نیست.

انسان خیلی چیزها را در زندگی روزمره خویش فراموش میکند. هیچکدام از ما خاطرات دو سالگی خویش را بیاد ندارد. ما هیچوقت توجه نکرده ایم که پدر و مادر ما در طول دوران بچگی چقدر برای ما هزینه کرده اند. بعضی خاطرات را بیاد می آوریم و بعضی ها را نه. ما هیچوقت هزینه دقیق چیزهایی که در طول عمر خود خریده ایم و یا خورده ایم، حساب نکرده ایم. خیلی ها را اصلا یادمان نمی آید و بمرور بفراموشی سپرده میشود. ولی خدا در طول زندگی از ما

میخواهد که بعضی چیز ها را هیچوقت فراموش نکنیم. و چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا میکرد فراموش می نماید و برای خدا همتایانی قرار می دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند بگو به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی.

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾

و چون به انسان آسیبی رسد پروردگارش را در حالی که به سوی او بازگشت کننده است می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا میکرد فراموش می نماید و برای خدا همتایانی قرار می دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند بگو به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی (٨)

کسانی که خط قرمزهای خدا را به فراموشی بسپارند، در آخرت بفراموشی سپرده میشوند و مورد رحمت خدا قرار نمی گیرند و هچکس نمیتواند یاریشان کند. اصولا اینکه شیطان لهو و لعب را در دنیا تبلیغ میکند، 99 درصد بخاطر وادار کردن انسان به فراموشی سپردن خط قرمزهای خداست.

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿۵۱﴾
همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند و زندگی دنیا مغرورشان کرد پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار میکردند ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم (۵۱)

یکی از مشکلات انسان تبعیدی آفتاب زده شدن اوست. این مورد باعث شده است که فرزندان آدم، در هر منطقه ای رنگ پوستشان تغییر کند. یکی سیاه پوست است، یکی سفید پوست است. همین مورد از خصوصیات زمین است که در بهشت اصلا اینطوری نبوده است. البته خدای مهربان اعلام داشته است که گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. رنگ و نژاد و زبان بی اهمیت است. آزمایش انسانها اینطوری طراحی شده است که تعدادی رنگ پوستشان سیاه و تعدادی سفید باشد تا که در آن موقعیت آزمایش شوند. تمام این موارد هم به دلیل شرایط آب و هوایی مناطق مختلف زمین پیش آمده است. در جهنم رنگ پوستها آنقدر زننده است که نگاه کردن به آن هم خودش نوعی عذاب است.

بعضی ها میگویند که انسان تکامل یافته نوعی میمون است. این فرضیه آنقدر باطل است که نیازی به رد کردن ندارد. انسان که در مقابل آفتاب سوختگی حساس است و در مقابل جاذبه زمین کم آورده است. اما یک میمون هیچوقت آفتاب سوخته نمیشود و همچنین با حرکاتش جاذبه زمین را زیر سوال برده

است. حتی یک صد هزارم هم احتمال ندارد که انسان تکامل یافته میمون باشد. خیلی واضح و مشخص است که میمون موجودی است مخصوص زمین خلق شده است و انسان موجودی است تبعیدی به زمین و توانایی های او با میمون خیلی فرق دارد. اگر زنبور عسلهای دنیا از روی کره زمین حذف شوند، زمین بعد از سه سال از بین میرود اما اگر انسان از روی کره زمین برداشته شود، زمین بمرور زمان بحالت طبیعی خویش بر میگردد. انسان جهش یافته میمون نیست زیرا جهش در طبیعت ، برای حفظ طبیعت است. ولی انسان به طبیعت بیشتر آسیب میرساند.

ما تبعید شده ها در زمین میتوانیم یک خانه بسازیم، یک سایبان بسازیم، آب را تصفیه کنیم، از مواد داخل زمین غذاهایی برای خود بسازیم، تفریحاتی برای خود فراهم کنیم و... اما در جهنم کسی نمیتواند چیزی بسازد و یا تغییری فیزیکی و یا شیمیایی در مواد آن ایجاد کند. این مورد بعلت خاصیت سنگین ماده های داخل جهنم است و همچنین عدم توانایی انسان در انجام این امور. ما البته در کره زمین هم با اراده خدا توانستیم آهن استفاده کنیم. خدا در مورد آهن میفرماید:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است نازل کردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است (۲۵)

اگر خدا اراده نکرده بود، ما هیچوقت نمیتوانستیم در زمین هم تغییرات زیادی ایجاد کنیم. اگر کمکهای خدا و راهنمایی های او نبود، بشریت هم اکنون در اوج عقب ماندگی علمی بود. اما این کمکها و راهنماییها در جهنم نیست. خدا روی کره زمین چیزهای زیادی نازل میکند. از جمله باران، آهن، قدر و مقدرات، رزق و روزی. اما در جهنم خبری از این نزولات نیست و البته زندگی ما روی زمین وابسته به همین نزولات آسمانی است و اگر این نزولات نباشد، زندگی بسیار سخت خواهد بود. روی تبعیدگاه زمین ، گاه گاهی خدا این نزولات آسمانی را کمتر خواهد کرد تا که مردم متنبه شوند.

هیچ حیوانی در زمین، دنبال مالکیت زمین نیست. اما انسان ، این موجود تبعید شده، بیشتر دنبال مالکیت است تا استفاده درست از زمین. این حس انسان که ناشی از سردرگمی او در زمین است، نشان از آن دارد که انسان در اعماق وجود خود اعتقادی به منابع زمین ندارد و اساسا با زمین و جانداران آن بیگانه ست و حفظ محیط زندگی خویش کوچکترین اهمیتی برای او ندارد. بشر بیشتر دنبال اقناع حسهای شیطانی خویش در زمین است. بجای استفاده صحیح از منابع زمین و توزیع عادلانه آن، دنبال مالکیت بیشتر منابع آن است. بجای حفاظت از

جانداران بومی زمین از آنان استفاده ابزاری میکند و آنان را در قفس میکند. از آنجا که انسان خودش از بهشت وارد قفسی به اسم زمین شده است، دوست دارد که جانداران زمین را مثل خودش در قفس ببیند. این حس شیطانی او نشان از آن دارد که بشر متاسفانه آینده خوبی نخواهد داشت و کار دست خودش خواهد داد.

خدا در قرآن می فرماید که: مردانی از انسان ها در کارهای خویش از مردانی از جن کمک می طلبند. انسان ها از طریق جن ها قدرت می جستند، ولی آنها اینان را به مصیبت بیشتری دچار کردند.

بشر تبعید شده بجای پناه بردن به خدا ، دنبال قدرتهای توهمی است. بعضی افراد آنقدر در توهمات فرو می روند که دنیای واقعی برای آنها کم اهمیت میشود؛ آنها نسبت به حوادث دور و بر خود عکس العمل واقعی نشان نمی دهند. مثلا حتی اگر وسیله نقلیه ای آتش بگیرد و یک فرد در داخل ماشین فریاد بزند که "کمکم کنید از ماشین خارج شوم" ؛ آنها بجای کمک کردن، فیلم و عکس می گیرند و اینجوری نشان می دهند که آنها نسبت به دنیای واقعی بیگانه اند و در یک فضای دیگری سیر می کنند. آنها به آنچه که در کره زمین اتفاق می افتد، بی تفاوتند. بی تفاوتی مهمترین دلیل انحراف بشریت است.

ما انسانهای تبعیدی همگی از یک پدر و مادر متولد شده ایم و در ضمن اصالتا زمینی نیستیم. اما عده ای نسبت به زبانشان و یا منطقه زندگی خود تعصب عجیبی دارند. آنان نژادشان را از بقیه بهتر میدانند! جنایتهای زیادی در این

مورد رخ داده است که هیچ جاندار دیگری تابحال نکرده است. هیتلر تعداد زیادی غیر آریایی و یهودی را کشت، آخرش با بررسی دی ان آی ، مشخص شد که هیتلر اصالتا یهودی آفریقایی است!! تمام نژادپرستیها به همچنین ماجرایی ختم میشوند.

بشر جهت برآوردن نیازهای غذایی خود، مجبور شده است که فصلهای مجازی و گلخانه ای ایجاد کند. جاندارانی مثل مورچه خودشان را با فصلهای بدون محصول هماهنگ کرده اند. بعضی خرسها در فصل زمستان گاهی شش ماه به خواب می روند. آنها زندگیشان را با طبیعت زمین هماهنگ میکنند. زیست شناس معروف، ولزبرگ در یک آزمایش یک قورباغه درختی را برای چندین ماه در یک جعبه کفش نگه داشت. او می گوید: "زمانی که جعبه را باز کردم، چیزی شبیه به قورباغه مومیایی‌شده دیدم. روی آن آب ریختم. قورباغه از پوسته اطرافش بیرون آمد و کاملاً حالش خوب بود."

اما بشر با فصول زمینی زیاد راحت نیست و از قدیم الایام به خشک کردن میوه ها جهت فصل زمستان می پرداخت. خدای مهربان فصول چهارگانه و بعضی مناطق زمین فصول پنجگانه را آفریده است تا که حالت پیوستگی روحی انسان را منقطع کند. در فصل زمستان آدم غمگین میشود و بعد که بهار می آید، خوشحال و امیدوار میشود. این تغییر روحیه ها را خود خدا با تغییرات فیزیکی در زمین برای ما بوجود می آورد زیرا خدا منت برما نهاد و بعضی جاها اجبارا روحیات ما را تغییر میدهد. بیشتر مشکلات بشر امروزی از پیوستگی روحی روانی اوست. اگر بشر مدام بر یک فکر و روال باشد، دچار توهمات میشود. نماز

های پنجگانه روال بسیار مهمی است جهت تغییر روان و انقطاع پیوستگی روحی روانی ما در طول روز.

در بهشت، ما چنین مشکلاتی نداریم. کمبودی وجود ندارد. نیازی به تغییر فصل نیست ، زیرا هیچگونه افسردگیی وجود ندارد. هر آنچه که ما بخواهیم هست. خدا میفرماید:

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾
هر چه بخواهند در آنجا دارند و پیش ما فزونتر [هم] هست (٣٥)

هر آنچه که ما بخواهیم و خیال کنیم هست و در ادامه می فرماید که پیش ما افزونتر بر آن هم هست. یعنی اینکه چیز هایی در بهشت هست که خیال بشر به آن نمی رسد. یعنی بشر خیالپرداز که در خیالپردازی استاد است، حتی نمی تواند تمام امکانات و نعمات بهشت را تصور کند.

چرا ما انسانها برخلاف حیوانات و جانداران دیگر، زیاد به آسمان نگاه می کنیم؟ آیا غیر از این است که در نهاد ما ، بازگشت به بهشت فردوس قرار داده شده است و دلتنگ بهشتیم. اما بشر نمیداند که چطوری برگردد! خدای مهربان قبل از تبعید به زمین، از روح خود در آدمیان دمید تا بتوانیم به کمک آن تکنولوژیهای مفید را بوجود آوریم و بتوانیم در زمین برای مدتی معین، آزمایش زندگی را بگذرانیم. اما ما باید از خدا کمک بخواهیم تا که خدا به ما رحم کند و همچنین خیر و برکت را بر ما نازل کند تا که به سلامت و در امنیت، زندگی موقت را در زمین پاس کنیم و به بهشت فردوس برگردیم.

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۲۴﴾
و از نشانه های او [اینکه] برق را برای شما بیم‌آور و امیدبخش می نمایاند و از آسمان به تدریج آبی فرو می فرستد که به وسیله آن زمین را پس از مرگش زنده می گرداند در این [امر هم] برای مردمی که تعقل می کنند قطعا نشانه هایی است (۲۴)

انسان بخاطر اینکه فریب شیطان را خورد و علیه خدا شورش کرد، باید بیشتر از هر موجود دیگری به خدا روی آورد. آنچه که در آسمانها و زمین است رو به خدا کرده اند و اگر انسان هم همینگونه کند، به بهشت برخواهد گشت و گرنه به تبعیدگاه آخری یعنی جهنم خواهد رفت و آنجا واقعا بدجایگاهی است.

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ﴿۲۶﴾
و هر که در آسمانها و زمین است از آن اوست همه او را گردن نهاده اند (۲۶)
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۶﴾
و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعا برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم (۹۶)

و اگر بشر ایمان آورده و به تقوا بگراید، قطعا خدا برکاتی از آسمان و زمین بر او می گشاید ولی متاسفانه بشر روش عذاب را برای خود انتخاب میکند. عذابها در وقت خواب و یا در وقت لهو و لعب نازل میشوند. جانداران دیگر غیر از بشر، براحتی سونامی ها و زلزله ها را تشخیص میدهند و قبل از آن جان خود را نجات

میدهند. سگها و گربه ها و مارها و خیلی حیوانات دیگر قبل از زلزله به جنب و جوش می افتند و خواب و فعالیت خود را ول میکنند. اما انسان از همه جا بی خبر است و وقتی به خواب رود و یا مشغول لهو و لعب شود، دیگر حواس طبیعی خود را کامل از دست میدهد.

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿۹۷﴾
آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته اند به آنان برسد (۹۷)

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿۹۸﴾
و آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما نیمروز در حالی که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد (۹۸)

به فرموده دو آیه بالایی، خواب و تفریحات، دو وقتی که عذاب بر انسانها، در آن مواقع نازل میشود. به همین خاطر ما باید قبل از این دو ، توبه کنیم و خود را به خدا بسپاریم تا ما را از جهنم محفوظ دارد. شاید بعد از خواب و یا سفر تفریحی برنگشتیم؟؟ شاید آخرین خواب و سفر ما باشد؟؟

مبدا کووید 19 از خفاش بوده است. خیلی جالب است که خفاش یکی از جانداران موثر و مفید برای حفاظت از مزرعه ها و طبیعت است. دانشمندان محیط زیست به این نتیجه رسیده اند که خفاش بسیاری از آفتهای طبیعت را از بین میبرد. این نکته حاوی پیام بسیار مهمی است که ویروس کووید 19 ، بیشتر برای دفاع از طبیعت و جانداران آن بوجود آمد. اینبار خفاش انسانها را به عنوان

آفت طبیعت هدف قرار داد! خفاشها روزانه شش هزار نوع حشره را کنترل می‌کنند و باعث می‌شوند آفت‌ها از بین بروند و طبیعت تعادل پیدا کند. به قول یک فعال محیط زیست، اگر خفاش‌ها نباشند کاکتوس‌ها و گیاهان بیابانی نمی‌توانند گرده‌افشانی کنند و در نتیجه از بین می‌روند و اگر از بین بروند، خاک بیابانها و دشتها موجب ایجاد ریزگردها و گرد و غبار میشود. جانداران روی زمین بغیر از انسان، در مقابل تعدی و طمع انسان بسیار صبور هستند و لی بعضی مواقع جانداران روی زمین برای دفاع ا ز همان طبیعت، به امر خدا دست بکار میشوند و البته چاره ای جز این نیست. همانطور که خفاشها ، برای طبیعت لازمند، کووید 19 هم برای طبیعت لازم بوده است و مرحله ای از مراحل دفاع از طبیعت بوده است.

زندگی قبلی ما بدون دردسر بوده است؛ بشر در بهشتی بسر میبرده است که روی زمین نبوده است. در سوره بقره دو بار اهبطوا پشت سر هم ذکر شده است. اولین اهبطوا مخاطبش آدم و حوایند و دومین اهبطوا کل بشر مخاطب آیه هستند.

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿۳۶﴾

پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد و فرمودیم فرود آیید شما دشمن همدیگرید

و بـــرای شـــما در زمـــین قرارگـــاه و تـــا چنـــدی برخـــورداری خواهـــد بود (۳۶)

فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

ســپس آدم از پروردگـــارش کلمـــاتی را دریافـــت نمـــود و [خـــدا] بـــر او ببخشود آری او[ست که] توبه پذیر مهربان است (۳۷)

قُلْنَـا اهْبِطُـوا مِنْهَـا جَمِيعًـا فَإِمَّـا يَـأْتِيَنَّكُمْ مِنِّـي هُـدًى فَمَـنْ تَبِـعَ هُـدَايَ فَـلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾

فرمـــوديم جملگـــی از آن فـــرود آييـــد پـــس اگـــر از جانـــب مـــن شـــما را هـــدايتی رســـد آنـــان كـــه هـــدايتم را پيـــروی كننـــد بـــر ايشـــان بيمـــی نيســـت و غمگين نخواهند شد (۳۸)

وَالَّـــذِينَ كَفَـــرُوا وَكَـــذَّبُوا بِآيَاتِنَـــا أُولَئِـــكَ أَصْـــحَابُ النَّـــارِ هُـــمْ فِيهَـــا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

و[لـــی] كســـانی كـــه كفـــر ورزيدنـــد و نشـــانه هـــای مـــا را دروغ انگاشتند آنانند كه اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (۳۹)

خـــدای مهربـــان خطـــاب بـــه بشـــریت؛ بعـــد از اخـــراج از بهشـــت میفرمایـــد کـــه در آن زنـــدگی مـــی کنیـــد و در آن مـــی میریـــد و از آن برانگیختـــه خواهیـــد شـــد. ایـــن نشـــان میدهـــد کـــه در جـــایی غیـــر از زمین بوده اند و بعد از نافرمانی، به زمین منتقل شدند.

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿۲۴﴾
فرمود فرود آیید که بعضی از شما دشمن بعضی [دیگر]ید و برای شما در زمین تا هنگامی [معین] قرارگاه و برخورداری است (۲۴)

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿۲۵﴾
فرمود در آن زندگی می کنید و در آن می میرید و از آن برانگیخته خواهید شد (۲۵)

در جای جدید که کره زمین در منظومه شمسی بود، بشر دچار مرگ و زندگی سخت و موقتی خواهد شد. زندگی قبلی این مشکلات امروزی ما را نداشت. خدای مهربان خصوصیات بهشتی که قبلا در آن زندگی میکردیم را در آیات بیان میدارد: در آن نه گرسنگی است و نه برهنگی و تشنگی و آفتابزدگی وجود نداشت. یک زندگی آسمانی بود که بشر دارای ابعاد بیشتری بود. بُعدی که ما در آن هستیم، با بُعد زندگی قبلی ما فرق دارد.

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿۱۱۸﴾

در حقیقـــت بـــرای تـــو در آنجـــا ایـــن [امتیـــاز] اســـت کـــه نـــه گرســـنه می شوی و نه برهنه می مانی (۱۱۸)

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿۱۱۹﴾
و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب‌زده (۱۱۹)

همـین چنـد نکتـه ثابـت میکنـد کـه محـل قبلـی زنـدگی مـا جـایی و یـا بـاغی در کـره زمـین نبـوده اسـت. بلکـه در جـایی بـا خصوصـیات بـالایی بـوده اسـت. مـرگ، ضـعف بـدنی مـا در مقابـل بیماریهـا و حـوادث، شـکنندگی بـدن مـا، توخـالی بـودن مـواد آسـمان مـا و ... نشـان از آن دارد کـه بشـر در جـایی غیـر از کـره زمـین زنـدگی میکرده است.

خیلـی از شـعرا، در مـورد هبـوط بشـر بـه زمـین، تفکـرات شـیطانیی دارنـد و تقصـیر را گـردن خـدا مـی اندازنـد. در حالیکـه خـود انسـان اشـتباه کـرد و فریـب شـیطان را خـورد و ایـن دردسـر را بـرای خـود درست کرد.

شاعر در شعر زیر خدا را مقصر تبعید به زمین میداند!

خالق شیطان و گندم، شادی مردم نخواست

عالمی غم ساخت پیش از آنکه سازد آدمی

یا شعر دیگری می گوید:

راندگانیم از بهشت جاودان

وین زمین زندان جاویدان ماست

گندم آدم چه با ما کرده است

کآسیای چرخ سرگردان ماست

بـــه ایـــن طریـــق شـــعراء بـــرای خـــود راه نجـــاتی نمـــی یابنـــد و فکـــر میکننـــد کـــه زمـــین زنـــدان جاویـــدان آنهاســـت. در حالیکـــه خـــدا قطعـــا پرهیزگـــاران را از زمـــین نجـــات داده و بـــه بهشـــت خواهـــد بـــرد. ایـــن نـــوع تفکـــرات ریشـــه شـــیطانی دارنـــد و نـــا امیـــدی نســـبت بـــه خـــدا را تبلیغ میکنند. شعر در بیشتر مواقع ، ضد پیام خدا عمل میکند.